

مقایسه تحلیلی بسترشناسانه و انگیزه‌شناختی مهدویت‌نگاری نعمانی و شیخ طوسی در کتاب الغیبه*

سیده منا موسوی^۱

زهره فقیهی نژاد^۲

چکیده

جناب نعمانی و شیخ طوسی از مهدویت‌نگاران متقدم شیعی، هردو، اثری به نام *الغیبه* از خود به جای گذاشته‌اند. با هدف آشنایی روش‌مند با منابع در زمینه مهدویت و تسهیل در امر مهدویت‌پژوهی، به روش توصیفی - تحلیلی، این دو کتاب ایشان، با محوریت دو عامل زمان و انگیزه، بررسی ساختارشناسانه، محتواشناختی و روش‌شناختی گردید؛ تا ضمن به دست آوردن افتراقات و اشتراکات، نوع نگاه ایشان در پردازش به آموزه‌های مهدویتی تبیین گردد. در این مقایسه، برخی نقطه تفاوت‌های دو کتاب از حیث میزان و نوع پرداختن به مواردی مانند مسئله ولادت، رد فرقه‌های مدعی مهدویت و... مورد تحلیل قرار گرفت. بررسی انجام شده به دست داد که نعمانی به شیوه نقلی و با بیان خطابی و احساسی؛ و شیخ طوسی با روش عقلی - نقلی آموزه‌های مهدویتی را طرح کرده‌اند. اما عواملی چون بستر زمان و اقتضائات آن، نیازها و ضروریات وقت، انگیزه و رویکرد نقلی و دغدغه ایمانی نعمانی و رویکرد عقلی و دغدغه کلامی طوسی در میزان، گزینش، پردازش و نحوه ورود ایشان به این آموزه‌ها تأثیر داشته است.

واژگان کلیدی

مهدویت‌نگاری، آموزه‌های مهدویتی، الغیبه، نعمانی، طوسی.

مقدمه

از مهم‌ترین مسائل پیش روی امامیه در دوران غیبت فقدان امام حاضر است. این مسئله در دوران آغازین غیبت به ویژه، سبب تحیر و چند دسته‌گی شیعیان شد. به گونه‌ای که بعد از امام حسن عسکری علیه السلام در مواجهه با مسئله امامت بعد از ایشان، بنا به نقلی به ۱۴ فرقه انشعاب یافتند (نوبختی، ۱۳۸۶: ق: ۸۴). از سویی پیروان دیگر فرقه‌های مخالف شیعه با طرح

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۲

۱. استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشگاه قم، ایران (نویسنده مسئول) (smona.mousavi@qom.ac.ir).

۲. کارشناسی ارشد رشته شیعه‌شناسی دانشگاه قم، ایران.

شبهات علیه امامیه، سرگشتگی حاکم بر جامعه را دوچندان کردند؛ تا آن جا که بیشتر افراد درباره امام غائب دچار تردید شدند. بر این اساس عالمان شیعه از همان قرون اولیه، مهدویت‌نگاری‌های متعددی انجام دادند. آنان با تألیفات گوناگون ضمن پرداختن به مسائل مربوط به امام دوازدهم شیعیان، درصدد زدودن شبهات برآمدند. از جمله عالمان شیعه قرن چهارم و پنجم می‌توان به نعمانی و شیخ طوسی اشاره کرد. آثار ایشان در زمینه مهدویت، از نخستین تألیفات به شمار می‌آید که همواره در تمامی دوران‌ها مورد استفاده بوده‌اند. نافذ و تأثیرگذار بودن این دو شخصیت در منظومه کلام شیعی و نزدیک بودن به آغاز دوران غیبت انگیزه شد که ایشان را سوژه پژوهش در مهدویت‌نگاری قرار دهیم و کتاب *الغیبه* ایشان را که چه بسا هماهنگ با نیازهای مطرح در آن زمان بوده است، واکاوی نمائیم.

مسئله این مقاله تحلیل محتوایی و روشی مهدویت‌نگاری در کتاب *الغیبه* نعمانی و طوسی با تأکید بر دو عامل بستر زمان و انگیزه و تفکر مؤلف است. آنچه از این بررسی مدنظر است این است که شیوه و نحوه ورود ایشان در طرح آموزه‌های مهدویتی چگونه است. کدام آموزه مهدویتی برای این دو اندیشمند اولویت داشته و چه ترتیبی مطرح کرده‌اند. نیازها و ضروریات زمانه و نوع تفکر و انگیزه مؤلف چگونه و چه تأثیری در گزینش، پردازش، نوع آموزه‌ها و اتخاذ شیوه داشته است. و این امر چه افتراقات و اشتراکاتی میان این دو کتاب را به وجود آورده است.

در نوشتارهای مختلف، این دو کتاب به‌طور جداگانه یا توأماً مورد بررسی قرار گرفته‌اند. برخی آثار در راستای این اثر عبارتند از:

مطالعه و بررسی دیدگاه‌های کلامی نعمانی در کتاب غیبت (طیبه میرمحمدحسینی، ۱۳۹۲، دانشگاه قم) عنوان پایان‌نامه‌ای است که به بررسی کتاب نعمانی و نوع مسائل کلامی مطرح در آن (یعنی مسائل امامتی و مهدویتی) پرداخته است.

مقاله «بررسی سیر تحول غیبت‌پژوهی امامیه از نوبختی تا شیخ طوسی» (نعمت‌الله صفری و مجید احمدی کجایی، ۱۳۹۲، انتظار موعود، شماره ۴۱)؛ به مراحل غیبت‌نگاری در دوره غیبت صغری و بعد از آن، و بازخوانی آنها می‌پردازد. که نشان می‌دهد غیبت‌نگاری‌ها علاوه بر آن‌که تحت تأثیر جریان‌های حاکم بوده‌اند، تکامل نیز یافته‌اند.

مقاله «رویکرد مهدویت‌نگاری شیخ صدوق و شیخ طوسی» (محمدجواد صداقت‌کشفی و عباس همایی، ۱۳۹۶، پژوهش‌نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۰)؛ به مقایسه رویکرد شیخ طوسی در *الغیبه* و شیخ صدوق در *کمال‌الدین* پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که می‌توان

رویکرد هر دو را در این کتاب نقلی - عقلی دانست.

مقاله «تحلیل مصدرشناختی احادیث الغیبه طوسی» (محمد غفوری نژاد و محمد معرفت، ۱۳۹۶، انتظار موعود، شماره ۵۷). در این پژوهش مصدرشناسانه بیان می‌شود که برخی از مصادر این کتاب موجود و تعداد بیشتری از روایات این کتاب از مصادری گرفته شده است که اکنون مفقود است.

مقاله «تحلیل تطبیقی تفاوت گزارش غیبت نزد نعمانی، شیخ صدوق و شیخ طوسی» (فهیمه شریعتی، ۱۳۹۷، پژوهش‌های مهدوی، شماره ۲۷). نویسنده در این پژوهش به معرفی و مقایسه تطبیقی روش این سه شخصیت در گزارش روایات غیبت می‌پردازد و نتیجه می‌گیرد که روش‌های متفاوت هر کدام از ایشان متأثر از فضای موجود و نوع مخاطب است.

آقای محمد معرفت در کتاب *مهدویت‌نگاری در سده‌های نخستین* (۱۳۹۹)، انتشارات ادیان و مذاهب)، به بررسی احادیث الغیبه نعمانی و الغیبه شیخ طوسی پرداخته است. این نیز یک اثر مصدرشناختی است که نویسنده به کمک شواهد و قرائن درصدد آن است تا نشان دهد این مؤلفان از کدام مصادر حدیثی در تألیف الغیبه شان بهره گرفته‌اند.

چنان‌که ملاحظه شد مهدویت‌پژوهی محتوایی و روشی ناظر به این دو کتاب الغیبه تاکنون انجام نشده است. همچنین روش پژوهش و تحلیل انگیزه‌شناسانه و نیز بسترشناختی در میان آثار پژوهشی به ندرت یافت شد. یک نمونه از این نوع پژوهش با عنوان «تحلیلی انگیزه‌شناختی از شکاکیت هیوم و تأثیر آن بر شهرت هیوم به الحاد» است که نویسندگان (فریده لازمی و جلال پیکانی) کوشیده‌اند تا با تحلیل انگیزه‌شناختی اندیشه هیوم و بررسی آراء مخالفان و موافقان او، اهداف پنهان او را نمایان بسازند و نسبت شکاکیت و الحاد را از او بزدایند (نقد و نظر، ۱۳۹۷، سال بیست و سوم، شماره ۲، ۱۲۳-۱۵۰).

کار جدیدی که در نوشتار فرارو صورت می‌گیرد این است که پس از بازخوانی دو کتاب مهم و نخستین مهدوی با نام الغیبه و بیان تفاوت‌ها و شباهت‌ها، بخش‌هایی از تفاوت‌های محتوایی و ساختاری آن دو کتاب مقایسه و تحلیل بسترشناسانه و انگیزه‌شناسانه می‌گردد.

تعاریف

۱. مهدویت‌نگاری

«مهدویت» واژه‌ای عربی و از ریشه «مهدی» است. بنابر آنچه در علم صرف آمده است در

کلمه مهدویت دو احتمال می‌توان داد: الف) منسوب است و «یاء» آن، یاء نسبت است و به معنای منتسب و مرتبط به مهدی است، مانند واژه علوی و حسنی. کلمه منسوب یک صفت است. بنابراین «ت» آن، تاء تأیید است و در این صورت موصوف آن را باید مؤنث در نظر گرفت. مثلاً «طریقه مهدویة» و مانند آن؛ ب) مصدر صناعی است و «یاء» آن، یاء مصدری است. مصدر صناعی از افزودن یاء مشدد و تاء تأیید به آخر هر اسم جامد یا مشتق ساخته می‌شود (عباس حسن، ۱۴۲۲ق: ج ۳، ۱۸۶). در این صورت معنای مصدری دارد و به معنای مهدوی بودن یا مهدی بودن (دهخدا، ۱۳۴۶ش: ج ۴۶، ۱۷۶) است. اما با توجه به معنای اصطلاحی کلمه مهدویت، احتمال اول بیشتر به ذهن متبادر می‌گردد.

مهدویت را در اصطلاح می‌توان گفت روش، رفتار، فکر و عقیده‌ای که به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انتساب داشته باشد (عمید، ۱۳۸۲ش: ج ۲، ۲۳۳). مهدویت در مذهب شیعه دوازده امامی، برگرفته از باور به ظهور امام دوازدهم است که براساس آن، حجت بن الحسن عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان منجی آخرالزمان برای نجات و رهایی انسان‌ها و برقراری صلح و عدالت خواهد آمد.

اما مراد از مهدویت نگاری نگارش آثاری با موضوع مهدویت در ارتباط با زندگی حضرت، غیبت ایشان، نشانه‌ها و حوادث پیش و پس از ظهور، شبهات مردم و... است.

نعمانی

محمد بن ابراهیم بن جعفر نعمانی، معروف به ابن ابی زینب، متکلم، مفسر و محدث شیعی قرن چهارم هجری قمری است. وی از شاگردان کلینی بوده و برای کسب علم و شنیدن حدیث به شهرهای مختلف از جمله شیراز، قم، بغداد و حلب مسافرت کرد. از او آثاری بر جای مانده که مشهورترین آن، کتاب *الغیبه* است. تاریخ تولد وی معلوم نیست. اما زادگاه او را برخی شهر نعمانیه مصر یا یمن و یا حجاز دانسته‌اند (مامقانی، ۱۳۵۲ش: ج ۱، ۵۵)، برخی دیگر، نعمانی را از شهر نعمانیه عراق (بین واسط و بغداد) دانسته‌اند (خوانساری، ۱۳۹۰ش: ج ۶، ۱۲۷).

حدیث‌آموزی نعمانی در شهرهای گوناگون همچون شیراز، قم، بغداد، شام و نزد اساتید متعدد همچون موسی بن محمد قمی (نوه سعد بن عبدالله اشعری)، ابن بابویه (پدر شیخ صدوق)، اسکافی، کلینی و محمد بن عثمان بغدادی انجام شد. وی در سال‌های پایانی روزگارش به حلب که شهری شیعی نشین بود، رفت و در همان جا تا پایان زندگی به نشر حدیث و معارف شیعی پرداخت و در شام درگذشت (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۲۷۱).

در کتاب رجال نجاشی، نعمانی از بزرگان شیعه، عظیم‌القدر، شریف‌المنزله، صحیح‌العقیده و کثیرالحدیث دانسته شده است (همان). محمدباقر مجلسی نیز او را از فقهای بزرگوار، فاضل، کامل و پرهیزگار خوانده است (مجلسی، ۱۴۴۰ق: ج ۱، ۴۰).

در نیمه اول قرن چهارم هجری قمری که غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و رزقه‌الشریفات به درازا کشید و به‌ویژه پس از درگذشت ابوالحسن سمری (۳۲۹ق/۹۴۰م)، آخرین نفر از وکلای چهارگانه امام و پایان دوره غیبت صغری، آشفتگی فکری و تزلزل اعتقادی بسیاری در شیعیان پدید آمد و بسیاری به شک و دودلی دچار شدند و برخی به اعتراض و حتی انکار برخاستند. نعمانی که در این روزگار می‌زیست، برای استحکام بخشیدن به بنیادهای فکری تشیع و نیز برای پاسخگویی به نیازهای اعتقادی شیعیان در امر امامت و راز غیبت امام دوازدهم، کتاب غیبت را تألیف کرد. این کتاب دربر دارنده روایات در باب غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و رزقه‌الشریفات و مسائل پیرامون آن است. الغیبه مشهورترین اثر نعمانی است و در ۳۴۲ق/۹۵۳م در حلب تألیف شده است او در این کتاب به تبیین امر امامت و راز غیبت امام دوازدهم می‌پردازد. برخی بر این باورند که این کتاب، اولین اثر درباره غیبت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و رزقه‌الشریفات است (صدر، ۱۳۷۰ش: ۳۳۶).

شیخ طوسی

محمدبن حسن طوسی ملقب به شیخ الطائفه در ماه رمضان سال ۳۸۵ در طوس به دنیا آمد (حلی، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ۲۴۹؛ بحرانی، ۱۳۶۳ش: ج ۱، ۵۹۳).

شیخ طوسی با ورودش به بغداد (سال ۴۰۸ق)، در حلقه درس شیخ مفید حاضر شد (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۰۳). چهار یا پنج سال نزد او شاگردی کرد و بیشتر کتاب‌هایش را نزد او استماع نمود (طوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۴۴۶-۴۴۷). پس از مفید، در حلقه شاگردان سیدمرتضی (م ۴۳۶ق) حاضر شد. طوسی تا پایان عمر سیدمرتضی در سال ۴۳۶، به مدت ۲۳ سال، همراه وی بود و بیشتر آثارش را بارها بر او خواند یا نزد او شنید (طوسی، ۱۴۲۰ق: ج ۱، ۲۹۰؛ طوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۴۳۴).

شیخ طوسی بیشتر کتاب‌های خود را در علم اصول و عقاید با بیانات کلامی درآمیخته است. این کار شیخ به علمای دیگر نیز جرات داد که تفسیر قرآن را با مشرب‌های عقیدتی و فکری گوناگونی عرضه بدارند. بدین ترتیب پس از شیخ، تفاسیری با مشرب‌های فلسفی و عرفانی و علمی به وجود آمد که تأثیر مهمی در تغییر افکار مسلمین گذاشت (دوانی، ۱۳۶۲ش: مقدمه). در تفسیر قرآن تا پیش از مجمع‌البیان شیخ طبرسی (درگذشت ۵۴۸) هیچ کتاب تفسیری

همتای *التبیان* او وجود نداشته است. *مجمع‌البیان* نیز هم‌چنان که مؤلفش می‌گوید، از دریای بیکران معارف *التبیان* اقتباس نموده است. در فقه و اصول نیز بسیاری فقهای بعد از او، ناقل فتاوی وی بوده‌اند و به احترام فقاقت و دانش او از خود رای و نظری ابراز نمی‌داشتند. پس از سیدمرتضی، زعامت شیعیان به شیخ طوسی رسید. وی ۴۱ سال در بغداد زیست و به تألیف و تدریس و تربیت شاگردان پرداخت. او در محله شیعه نشین کرخ در بغداد سکونت داشت (ذهبی، ۱۴۲۴ق: ج ۳۰، ۳۴۲).

شیخ طوسی مدت طولانی در بغداد اقامت داشت اما در پی برخی حوادث ناگوار به جهت اختلاف مذاهب، بغداد را به مقصد نجف ترک کرد (عسقلانی، ۱۹۷۱م: ج ۵، ۲۳۵؛ ابن‌کثیر، ۱۴۰۸ق: ج ۱۲، ۱۱۹). وی با هجرت به نجف، حوزه شیعی‌ای را بنیان نهاد که بیش از هزار سال است بی‌وقفه ادامه یافته و هزاران فقیه و مجتهد شیعی در طول قرون از آن برخاسته‌اند (ابن‌اثیر، ۱۳۹۹ق: ج ۹، ۶۳۷).

شیخ طوسی آثار بسیار زیادی را در حوزه‌های گوناگون علوم دینی تألیف و تصنیف کرد. قزوینی رازی آثار طوسی را در فنون گوناگون علمی بیش از دویست مجلد برشمرده است (قزوینی، ۱۳۵۸ش: ج ۱، ۲۱۰). فهرستی از آثار شیخ را در *الفهرست خود او* (طوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۱، ۴۴۷)، *فهرست نجاشی* (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ج ۱، ۴۰۳) و *معالم‌العلماء ابن شهر آشوب* (ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰ق: ج ۱، ۱۱۴) می‌توان دید (بحرالعلوم، ۱۳۶۳ش: ج ۳، ۲۲۳-۲۲۸). شیخ طوسی در تمامی علوم آثار گرانبهایی از خود بر جای گذاشته است (تهرانی، ۱۴۰۳ق: ۲۶۶؛ امین، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ۱۴۵).

۲. بازخوانی ساختاری و محتوایی دو کتاب الغیبه

پس از توصیف مختصر این دو کتاب، بازخوانی آن در قالب اشتراکات و افتراقات بیان می‌گردد.

الغیبه نعمانی

کتاب *الغیبه نعمانی* یکی از آثار مهم و نخستین شیعه در موضوع غیبت و مهدویت است. مؤلف انگیزه تألیف کتاب را انحراف گروه‌هایی از شیعیان درباره وقوع غیبت می‌داند که به جهت ضعف ایمان و بی‌توجهی به روایات وارده، دچار آن شدند. از این رو به جمع‌آوری احادیث در این موضوع می‌پردازد. مؤلف، در مقدمه می‌نویسد: با وجود حجم عظیم روایات که از ائمه معصومین علیهم‌السلام درباره غیبت به ما رسیده، اگر حادثه غیبت به وقوع نمی‌پیوست،

مذهب امامت باطل می‌شد، پس وقوع غیبت، خود، دلیل بر صدق گفتار ائمه علیهم‌السلام است (نعمانی، ۱۳۹۳ق: ۲۷-۳۱).

این کتاب ۴۷۸ روایت و ۲۶ باب دارد که در سه بخش دسته‌بندی شده‌اند. بخش اول آن به مسئله امامت، بخش میانی به مسئله مهدویت و غیبت و بخش آخر به علائم ظهور می‌پردازد.

در بخش اول نعمانی به موضوع‌هایی در ارتباط با فلسفه امام، ضرورت وجود و معرفت امام، وصی بودن و انتصاب امام از سوی خداوند در ضمن ۹ باب (مشمول بر ۱۳۳ روایت) پرداخته است.

بخش میانی که مربوط به دوران غیبت و وظایف شیعه در آن دوران است از باب ۱۰ تا باب ۱۳ را شامل می‌شود. مباحث این بخش بر تحقق امر غیبت و هشدار ائمه علیهم‌السلام به وقوع و حتمیت آن متمرکز شده است. در ادامه از شیعیان خواسته شده است که بر این امر، مراقبت و صبر و انتظار پیشه کنند. چرا که در معرض آزمایش و غربال هستند و تنها اندکی از آنان سربلند بیرون می‌آیند. در این سه باب و در این موضوع ۱۲۷ روایت گردآوری شده است.

بخش پایانی از باب ۱۴ تا ۲۶ (مشمول بر ۲۱۸ روایت) در ارتباط با ویژگی‌های حضرت و نشانه‌ها و حوادث پیش و هنگام ظهور است.

نکته قابل توجه آن است که عنوان برخی باب‌ها یک نام غالبی است. به این معنا که با توجه به غلبه روایات در آن باب، این عنوان قرار داده شده است. اما چه بسا روایات دیگری غیرمرتبط با آن موضوع نیز در آن باب قرار داده شده باشند. مثلاً باب ۱۰ درباره غیبت امام و هشدار ائمه علیهم‌السلام به آن است؛ ولی برخی نشانه‌های پیش از ظهور نیز در این باب آمده است.

الغیبه شیخ طوسی

این کتاب از منابع بااهمیت در زمینه شناخت امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف و مسئله غیبت است. شیخ طوسی با دارا بودن منابع دست اول و مصادر متعدد و احاطه بر احادیث، توانست مجموعه‌ای وزین از مسائل پیرامون امامت حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف را تدوین کند. بی‌شک مجموعه‌ای بنیایی متین و استوار در گسستن التقاطات و شبهات است.

آقا بزرگ تهرانی این کتاب را متضمن قوی‌ترین حجت‌ها و براهین عقلی و نقلی بر وجود امام مهدی عجل‌الله‌تعالی و فرجه‌الشریف و علت غیبت آن حضرت و علائم ظهور در آخرالزمان معرفی می‌کند (تهرانی، ۱۴۰۳ق: ج ۱۳، ۷۹).

کتاب در هشت فصل تنظیم شده و دارای ۵۵۱ روایت است.

فصل اول با دربر داشتن ۱۹۲ روایت بعد از طرح و حل مسئله غیبت، به تفصیل به رد عقاید دیگر فرق در این باره می پردازد. نوآوری شیخ طوسی در این بخش آن است که مسئله غیبت را متفرع بر اصل امامت قرار می دهد. از این رو نخست ضرورت وجود امام معصوم را به دلیل خطاکار بودن مردم اثبات می کند. آن گاه در صورت ظاهر نبودن امام معصوم، غیبت او را نتیجه می گیرد (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳).

در فصل اول تا پنجم این کتاب، شیخ شبهه های فرضی را با عبارت "ان قال"، "ان قیل"، "اما من قال"، "اما قولهم" (همان: ۶، ۹، ۱۰، ۱۱). درباره اصل و فلسفه غیبت، ولادت و طول عمر امام آورده و سپس به آنها پاسخ داده است. همچنین بر مبنای ضرورت وجود امام در هر زمان و وجود امام دوازدهم غائب، دیدگاه های فرقه های مختلف را به چالش کشیده است (ر.ک: همان، فصل اول).

فصل ششم با ۱۰۲ روایت به جریان وکالت و اخبار وکلا اختصاص دارد و فصل هفتم و هشتم در مجموع با ۸۰ روایت به بیان برخی ویژگی های حضرت مانند عمر، صفات، سیره و مختصری از نشانه های ظهور پرداخته است.

در سراسر کتاب، شیخ علاوه بر استمداد و استناد به روایات از استدلال های عقلی (از جمله برهان لطف، دلیل عصمت، برهان حکمت و...)، ذکر نمونه ها و گزاره های تاریخی هم بهره برده است (همان: ۵، ۱۶، ۸۵).

۳. اشتراکات

انگیزه تألیف

از مهم ترین اشتراکات، انگیزه دو مؤلف در تألیف کتاب است. در قرن چهار و پنج هجری پس از آن که غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیه به درازا کشید و آخرین وکیل امام نیز درگذشت، تردید و تزلزل فکری زیادی در شیعیان ایجاد شد. برخی هم به انکار برخاستند. از این رو علمای شیعه آن دوران بر آن شدند جهت استحکام بخشی به بنیان های فکری و زدودن شبهات و ابهامات، در امر امامت و غیبت امام عصر، *الغیبه* بنگارند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰-۲۳) و یکدیگر را در تبیین مسئله مهدویت سفارش می کردند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱-۲).

ساختارشناسی

تنظیم کتاب ها براساس فصل یا باب و اختصاص هر باب یا فصل به یک موضوع است. و

این امر توسط خود مؤلفین یعنی نعمانی و طوسی انجام شده است (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳).

محتواشناسی

هر دو کتاب مشتمل بر اصلی ترین مسئله مهدویت یعنی غیبت است. با این تفاوت که نعمانی به تفصیل روایات پیرامون آن از قبیل وقوع حتمی، انواع و ویژگی، فلسفه و ضرورت غیبت را بیان کرده است (باب ۱۰، ۱۱ و ۱۵) طوسی نیز به فلسفه، انواع و طولانی بودن غیبت پرداخته است (فصل ۱ و ۵).

مسئله مشترک دیگر عمر شریف حضرت است. غیبت طولانی حضرت دو مسئله را پیش می کشد: تنافی آن با عرف و عادت؛ سن حضرت در هنگام ظهور. نعمانی روایاتی را بیان می دارد که ناظر به سن حضرت هنگام ظهور است و او را مانند شخص جوان معرفی می کند. طوسی روایات ناظر به هر دو مسئله را آورده است و تنافی آن با عرف و عادت را حل کرده است (فصل ۷).

نشانه های ظهور از مسائل مشترکی است که در هر دو کتاب آمده است. با این تفاوت که نعمانی بسیار مفصل تر روایاتی در زمینه حوادث پیش، پس و هنگام ظهور آورده است (باب ۱۲، ۱۴، ۱۸). اما طوسی به ذکر چند روایت و اشاره به برخی خصوصیات اکتفا می کند (فصل ۷). احوال و وظائف شیعیان در دوران غیبت موضوعی مشترک میان دو کتاب نعمانی و طوسی است. نعمانی در ۴ فصل از کتابش به طور پراکنده روایاتی در این زمینه آورده است (فصل ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۵). طوسی به آوردن ۱۳ روایت در این باره اکتفا کرده است (فصل ۵).

ذکر صفات و ویژگی های حضرت از مشترکات میان کتاب نعمانی و طوسی است. این ویژگی ها اعم از شخصی و ظاهری و یا رفتاری در هنگام ظهور است. نعمانی به هر دو نوع ویژگی پرداخته است (باب ۱۳، ۱۹، ۲۳). طوسی نوع دوم ویژگی ها را بیان کرده است (فصل ۷).

دوران فترت از دیگر مشترکات میان نعمانی و طوسی است. شیخ طوسی بر این مبنا که زمین هرگز از امام خالی نمی باشد، معتقد است فترت بین دو رسل است و به خالی بودن زمان از پیامبر اشاره دارد و زمان بین دو امام فترت نیست. نعمانی با ذکر سه روایت از امام صادق علیه السلام تحلیل می کند که فترت فاصله بین دو پیامبر است نه دو امام (نعمانی، ۱۳۹۳ق: ۳۳۰-۳۳۱؛ طوسی، ۱۴۲۵ق: ۲۲۱).

روش‌شناسی

میان *الغیبه* نعمانی و طوسی از حیث نقل روایت به نوعی اشتراک روشی (روش نقلی) مشاهده می‌شود. گاه نوع روایات‌شان نیز شبیه به هم است.

۴. تمایزات

انگیزه تألیف

نعمانی در مقدمه کتاب خود علت تألیف را چند دسته‌گی شیعه و انحراف اکثریت منتسبان به شیعه به جهت وقوع غیبت دانسته و بیان کرده است که اکثر، با انگیزه‌های غیرصحیح، به این مذهب روی آورده‌اند. لذا با اندک شبهه‌هایی از آن روی برتافتند. به گفته مؤلف حیرت و تردید اکثریت شیعه را امامان پیشگویی کرده‌اند، بنابراین در نگارش کتاب، از روایات استفاده کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۰-۲۳).

اما شیخ طوسی با نظر به سؤالات و شبهات مطرح، به درخواست یکی از علما انگیزه تألیف می‌یابد. او می‌گوید استادش از او خواست تا با بهره‌گیری از روایات، کتابی درباره غیبت حضرت و مسائل پیرامون آن بنگارد. شیخ نیز اجابت و اطاعت نمود (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۱-۲).

ساختارشناسی

نعمانی *الغیبه* خود را در ۲۶ باب (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۹)؛ و شیخ طوسی *الغیبه* اش را در ۸ فصل (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳) تنظیم کرده‌اند. این دو اثر در قطع وزیری به ترتیب حدود سیصد و پانصد صفحه به خود اختصاص داده است. بنابراین حجم *الغیبه* شیخ طوسی از *الغیبه* نعمانی بیشتر است. چه بسا این اختلاف حجم در ارتباط با انگیزه خود مؤلفین در نگارش کتاب یا دسترسی به روایات یا صحت روایات نزد ایشان باشد. *الغیبه* نعمانی و طوسی هر دو با مبحث امامت عامه شروع می‌شود. حدود یک سوم کتاب نعمانی (نه باب اول) و حدود نیمی از کتاب شیخ طوسی (فصل اول) در این موضوع است. با این تفاوت که شیخ طوسی پس از اندک بحث درباره ضرورت امامت، بیشتر مباحث این فصل را به رد دیگر فرقه‌ها پرداخته است.

ترتیب عناوین کلی مباحث در *الغیبه* نعمانی، امامت، غیبت، شیعیان، امام عصر، ظهور، امام عصر، ظهور، شیعیان، امام عصر، فرقه‌ها، امام عصر است؛ و در *الغیبه* طوسی، امامت، غیبت، فرقه‌ها، ولادت، شیعیان، امام عصر، ظهور، سفیران، شبهات، امام عصر است. در نعمانی چنین است که گاه در برخی ابواب، احادیث مربوط به ابواب دیگر، آمده است.



مثلاً روایات مربوط به خروج سفیانی هم در باب ۱۴ و هم ۱۸ آمده است. یا روایات مربوط به فتنه‌های آخرالزمان و غربال شیعه هم در باب ۱۰ و هم در باب ۱۲ آمده است. به عبارت دیگر روایات در یک موضوع در باب‌هایی با عناوین دیگر آمده است. اما این پراکندگی در طوسی کمتر دیده می‌شود.

محتواشناسی

۱. آموزه‌های اختصاصی مطرح در هر کتاب

برخی آموزه‌های مهدویتی اختصاصاً در یک کتاب و نه کتاب دیگر آمده است. این موارد در *الغیبه نعمانی* عبارتند از: اخبار ائمه از وقوع غیبت، وظیفه شیعیان، غربال و تمحیص شیعیان، نشانه‌های ظهور، مواجهه امام با جاهلیت مردم، سپاه حضرت و احوال شیعه هنگام ظهور، سن و مدت حکومت امام، غریب نمایان شدن اسلام. و در *الغیبه طوسی* عبارتند از: ولادت امام، دیدارکنندگان حضرت در زمان غیبت، موانع ظهور، سفیران امام.

۲. حجم و میزان پرداختن به برخی آموزه‌های مشترک

گاهی با وجود اشتراک هر دو کتاب در یک موضوع، ولی به لحاظ مقدار و نوع پردازش با هم متفاوت است. مثلاً رد فرقه‌ها را در هر دو کتاب داریم. اما نعمانی یک باب را (باب ۲۴) فقط به رد فرقه اسماعیلیه اختصاص داده است. طوسی فرقه‌های متعدد شیعه را متعرض می‌شود و به تفصیل (در فصل اول) به رد آنها در اعتقادشان به آخرین امام می‌پردازد. این‌گونه تفاوت‌ها در سایر موضوعات مشترک نیز وجود دارد.

همچنین نعمانی برخلاف طوسی پس از طرح مسئله غیبت، به مسئله ولادت به طور مستقل ورود نداشته است بلکه به گونه‌ی یک مسئله فرعی، تنها در میان باب سیزدهم که درباره ویژگی‌های حضرت است ۵ روایت را با عنوان فرزند اسیر یا فرزند برگزیده کنیزان می‌آورد (باب ۱۳). اما طوسی یک فصل را مستقلاً به ولادت حضرت اختصاص داده است (فصل دوم).

نیز در مسئله نشانه‌های ظهور چنین تفاوتی را شاهد هستیم. چنان‌که نعمانی در ضمن سه باب آن را طرح کرده است (باب ۱۲، ۱۴، ۱۸). حال آن‌که طوسی به ذکر چند روایت در میان مسائل دیگر فصل هفتم اکتفا کرده است.

روش‌شناسی

به لحاظ محتوا *الغیبه نعمانی* کتابی روایی و *الغیبه طوسی* کتابی روایی - کلامی ارزیابی می‌شود.

روش به کار رفته در *الغیبه* نعمانی در پرداختن به مسائل مهدویت، نقلی روایی است. در *الغیبه* نعمانی از جدل‌های کلامی، ایراد و اشکال‌های دامنه‌دار، شکوک و شبهات خبری نیست. او تنها به نقل روایات می‌پردازد. جز آن‌که در مواردی گاه به توضیحی ساده به رفع تناقض ظاهری بسنده می‌کند (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۰۷-۱۰۸؛ ۱۶۰-۱۶۱؛ ۱۶۳ و...). و یا گاه به شیوه خطایی و احساسی تذکرات و تنبیهاتی را به خواننده انتقال می‌دهد (همان: ۱۱۰؛ ۱۶۵-۱۶۶ و...). رویکرد *الغیبه* طوسی عقلی - نقلی است هرچند در مجموع غلبه با شیوه نقل روایی است و از تاریخ و روایات تاریخی نیز بهره برده است. اما در مواردی با استفاده از شیوه‌های عقلی و به کارگیری قواعد علم اصول، رجال و درایه به تبیین و اثبات موضوعات می‌پردازد. سپس در تایید و تسدید مطلب، اخبار و روایات را به میان می‌آورد (در این باره برای نمونه به فصل اول *الغیبه* در رد فرقه‌ها مراجعه کنید).

تحلیل ساختاری و محتوایی دو کتاب *الغیبه* با تکیه بر بستر زمان و انگیزه نگارش

این بخش در چند محور ارائه می‌گردد:

۱. نحوه آغاز کتاب

علت این شروع در نعمانی می‌تواند متفاوت از طوسی باشد. نعمانی را می‌توان یک «محدث متکلم» نامید. چرا که در عین داشتن دغدغه ایمان و معارف کلامی، پایبند به ادبیات و متون روایی است. محدثان متکلم کسانی هستند که «روی گردانی از چارچوب و ادبیات روایات را در تبیین معارف روا نمی‌داشتند و می‌کوشیدند در فرآیند تبیین‌گری هم به متن هم به نظام معارف اعتقادی پای بند باشند» (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱ش: ۵۴). نعمانی چنین نیست که به صرف نقل روایات اکتفا کند. او بر این باور است که نقل روایت بدون تأمل و دقت نظر، از اسباب شک و تحیر است و فهم روایت یک تحفه الهی است (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۲-۲۳). از این رو بعد از ذکر برخی روایات در *الغیبه*، تحلیلی هر چند اندک و ساده بیان می‌دارد. نوع حمد و سپاس او در ابتدای کتابش دلالت دارد که او حکمت و ارشاد عقلی و فطری به توحید و ربوبیت را می‌پذیرد (همان: ۱۸) نکته بسیار قابل توجه دیگر این است که با وجود آن‌که انگیزه نعمانی از تألیف این کتاب زدودن حیرت برآمده از غیبت است، اما نخست حدود ۹ فصل از ابتدای کتابش را تنها به مبحث امامت عامه می‌پردازد. آن طلیعه و این چینش کتاب به روشنی می‌تواند بازتاب انگیزه و دغدغه کلامی او باشد. بنابراین، نمی‌توان نعمانی را محدث صرف تلقی کرد.

دغدغه نعمانی دو چیز است: حفظ و تقویت ایمان، رفع حیرت و تردید ناشی از امر غیبت. او می‌خواهد با تقویت ایمان، حیرت و سرگردانی را بزدايد. و راه تقویت ایمان را التزام و درآویختن به ریسمان الهی و فراگیری علم از معدن پاک آن که همان روایات است می‌داند (همان: ۲۱). از این رو کتاب را با مبحث «صون السر» (حفظ سر آل محمد ﷺ) و سپس مبحث «تمسک به ریسمان الهی» شروع می‌کند که ناظر به تقویت ایمان است. زیرا در روایتی دیگر می‌خوانیم گسترش و افشاء سر آل محمد جبران ناپذیر است و جز به مومن اهل یقین نباید بازگو کرد (حرانی، ۱۴۰۴ق: ۱۷۴).

مضمون این روایت به نوعی بیانگر آن است که کتمان سر آل محمد از نشانه‌های ایمان است. همچنین محتوای این روایات آن است که مهم‌تر از معرفت و پذیرش امر ولایت، کتمان و مخفی نگه داشتن آن از نااهلان و تکذیب‌کنندگان و کسانی است که تحمل آن را ندارند. بنابراین به نظر می‌رسد دو نکته سبب شده است که نعمانی کتابش را با کتمان السر شروع کند: (۱) اهمیت مسئله ایمان و باور نزد نعمانی؛ (۲) اهمیت این مبحث، بر مبحث معرفت و پذیرش امامت.

اما طوسی یک متکلم است و حداقل در این کتاب روش «متکلم - محدث» را دارد. متکلم محدث کسی است که می‌کوشد تا بر مبنای ارتباط عقل و وحی مبانی عقلی باورهای اعتقادی را استخراج کند و به تفسیر و تحلیل عقلانی معارف اهل بیت بپردازد (اقوام کرباسی، ۱۳۹۱ش: ۴۷). در این کتاب، گویا دغدغه کلامی شیخ سبب شده است که غیبت امام عصر را یک مسئله کلامی بیانگارد و آن را زیر مجموعه مبحث کلی امامت و متوقف بر آن، قرار دهد. او هر چند کتابش را مستقیماً با فصل غیبت آغاز کرده است؛ اما غیبت را با اثبات وجود امام در هر زمان یا اثبات وجود امام عصر تبیین می‌کند (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳). از این رو در این فصل مبحث امامت عامه را به شیوه استدلالی پیش می‌کشد.

۲. چینش آموزه‌های مهدویتی در کتاب

عموماً و عادتاً مهدویت‌نگاری با مسئله غیبت پیوند محکمی دارد. اما به نظر می‌رسد این مسئله نخست بر اثبات ولادت امام غائب وابسته است. پس از آن، می‌توان از ضرورت و فلسفه غیبت و مسائل و شبهات پیرامون آن سخن گفت. دوران غیبت اموری را بر عهده شیعیان نیز می‌نهد. نیاز است که شیعیان بدانند محرومیت خود از امام حاضر را چگونه جبران و چگونه او را یاری کنند تا زمینه ظهور فراهم آید. واقعه ظهور همچنین، نشانه‌های قطعی می‌طلبد.

صفات امام، طریقه شناخت و تصدیق او نیز باید تبیین گردد تا از کج پنداری و بیراهه روی در تشخیص باز بدارد. از این رو مناسب است کلیات مسائل مهدویت نگاری چنین ترتیب یابد: ولادت، غیبت، وظیفه شیعیان، راه های ارتباطی امام در دوران غیبت، نشانه های ظهور، صفات امام، طریقه شناخت، حوادث زمان ظهور.

این چینش مطلوب در کتاب طوسی کمی بیشتر از نعمانی رعایت شده است. اما در نعمانی پراکندگی مباحث بیشتر مشاهده می شود.

۱۲ باب نخست از کتاب نعمانی دارای چینش مناسب و مرتبطی است (حتمیت غیبت به استناد پیشگویی ائمه، بیان روایی فلسفه غیبت، رفع استبعاد و استعجاب از این امر با آوردن نمونه ها و شواهدی از غیبت در اقوام و انبیای گذشته، احوال و وظایف شیعیان). اما از این باب به بعد ارتباط و ترتب خاصی میان باب ها یافت نمی شود. به ویژه نشانه های ظهور که در باب های متعدد آمده است.

در طوسی تقریباً ارتباط و ترتب میان فصل ها به چشم می خورد. جز آن که فصل ولادت پس از فصل غیبت آمده است. حال آن که مناسب بود پیش از آن قرار گیرد.

مباحث امامت، از مبانی و پیش فرض های این موضوع است. بی شک مسئله غیبت متفرع بر امامت است. تا ضرورت وجود امام در هر دوران تصدیق نشود، سخن از غیبت امام بیهوده است. اما آن، در مهدویت نگاری، یک پیش فرض و اصل مسلم است و پرداختن به آن در مهدویت نگاری ضرورت ندارد. بنابراین وجود آن در این نوع نگارش ها را باید زمینه سازی برای ورود به مسئله، یا برخاسته از دغدغه و اهمیت آن نزد مؤلف تلقی کرد.

چنان که ملاحظه شد جناب نعمانی و شیخ طوسی هر دو طبق این باور که مسئله غیبت متفرع بر پذیرش اصل امامت است، مهدویت نگاری خود را با مبحث امامت عامه و اثبات آن آغاز کرده اند. و پس از آن مستقیماً وارد مسئله غیبت شده اند.

به نظر می رسد این تأکید و توجه بر مسئله امامت در بخش آغازین کتاب از جهت زمینه سازی برای مخاطب است که غیبت امام او را به عدم وجود امام سوق ندهد و در هر حال خالی نبودن زمین از حجت و ضرورت وجود امام را یادآور باشد.

در این بین چه بسا مدعیان دروغینی باشند که ادعای امامت می کنند. از این رو، طوسی با رد فرقه های مختلف (طوسی، ۱۴۲۵ق: فصل اول) تلویحاً؛ و نعمانی تصریحاً با آوردن روایاتی (نعمانی، ۱۳۹۷ق: باب سوم)، این تنبه و نشانه را می دهند که امام به نصب و اختیار و اعلام خداوند است.

۳. مسئله ولادت

گاه ممکن است نپرداختن به یک باور یا آموزه در منابع متقدم ما، شبهه نادرستی و ساختگی بودن آن را پیش بکشد. چنان که برخی از عدم تصریح به تعداد یا نام ائمه در آثار روایی سه قرن اول، تطور و تکامل این آموزه‌ها در طول زمان و عدم اصالت آن را نتبجه گرفته‌اند (کلبرگ، ۱۳۷۴). در حالی که نیافتن یا نبودن باور یا آموزه‌ای در منابع پیشین می‌تواند برخاسته از اسباب مختلف باشد: عدم پژوهش دقیق و جامع‌نگرانه محقق در منابع پیشین، داعیه نداشتن مؤلف در گردآوری مطالب مورد بحث، تردید و عدم قطعیت مؤلف در مواجهه با نقل‌ها و... (ر.ک: الویری، ۱۳۷۴ ش: ۵۹-۶۰).

در مورد نعمانی و عدم ورودش به مسئله ولادت امام بعید است که روایات در این باره را ندیده باشد زیرا استادش کلینی روایات مربوط به ولادت را آورده است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ج ۱، ۳۳۲-۳۲۸؛ ۵۱۴-۵۲۵) و او کتاب کلینی را دیده است. چرا که روایات متعددی را از او نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۶۲، ۲، ۱۶۴، ۴، ۱۶۷، ۶ و...). بعد از او، طوسی هم به نقل از کلینی و با همان سند روایات ولادت را آورده است (طوسی، ۱۴۲۵ ق: ۲۳۰-۲۳۱، ح ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۳ و...).

بنابراین به نظر می‌رسد نعمانی ضرورتی در تکرار این مسئله ندیده است و انگیزه و دغدغه پرداختن به آن را نداشته است. زیرا نعمانی در زمانه‌ای می‌زیست که امام ۸۰ ساله است (نعمانی، ۱۳۹۷ ق: ۱۵۷) و این یک عمر طبیعی است. بنابراین گویا شک در ولادت جایگاهی ندارد و مسئله مردم نبوده است.

وجه دیگر می‌تواند این باشد که نعمانی در این کتاب نگاه تاریخی نداشته است. از آن جا که ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخفیانه صورت گرفت، طرح این مسئله، باید مستند به نقل تاریخی و گواهی و گزارش افرادی باشد که شاهد ولادت بوده‌اند. اما در کتاب او هیچ‌گونه گزارش تاریخی مشاهده نمی‌شود. از این رو وارد بحث ولادت نشده است. حتی از ملاقات‌کنندگان امام هم گزارشی نداده است. حال آن که شیخ طوسی در دو فصل مجزا به این دو مسئله پرداخته است.

اما در آن زمان، حیرت ناشی از غیبت امام فراگیر شده است و تمام تلاش نعمانی از آن جهت و ایجاد شور و امید است. آنچه این احتمال را قوت می‌بخشد انگیزه او در تألیف این کتاب است که خود بدان تصریح کرده است. وی از آن جا که سرگردانی و تفرقه میان شیعیان در دوران غیبت را نه برخاسته از نبود فرزند برای امام عسکری علیه السلام و شک در ولادت او، بلکه آن را

برخاسته از عوامل متعدد از جمله ضعف ایمان، کم بهره‌گیری از روایات در باب غیبت، امتحان‌های سخت آن دوران و عدم فهم و درایت در روایات؛ راه نجات را در گرفتن علم از معدن پاک آن و التزام و تمسک به ریسمان الهی می‌داند، از این رو نعمانی با یک نگاه بسترشناسانه درصدد است با آوردن روایات صحیح در ارتباط با آموزه‌های غیبت و با دقت نظر و فهم صحیح روایت که یک تحفه الهی است، به تقویت و رسوخ ایمان افراد و زدودن حیرت از ایشان مبادرت ورزد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۱-۲۳).

او می‌گوید ائمه هم از این سرگردانی خبر داده‌اند و افراد آگاه را موظف به رفع شبهه کرده‌اند (همان: ۲۳). از این رو می‌خواهد با استفاده از بیانات ائمه، مردم را متوجه و متذکر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گرداند و غیبت او را تبیین و ایشان را در این عقیده راسخ کند (همان: ۱۸۳-۱۸۴).

اما هر قدر که از زمان ولادت امام فاصله می‌گیریم پرداختن به این مسئله و اثبات وجود امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ضرورت بیشتری می‌یابد. به عنوان مثال شیخ مفید (متوفی قرن ۴)، حدود چهار فصل از کتاب خود را به اثبات مسئله ولادت می‌پردازد (مفید، ۱۴۱۴ق: فصل ۱-۴). این نیاز و ضرورت به اثبات مسئله ولادت در شیخ طوسی که فاصله زمانیش بیشتر شده است نیز خود را می‌نماید. به این جهت، مقتضیات زمان و نگاه بسترشناسانه شیخ طوسی اقتضا می‌کند که در کتابش از روش تاریخی نیز بهره بگیرد. او با آوردن روایات تاریخی، یک باب را به جریان ولادت حضرت و شاهدان صحنه اختصاص می‌دهد. حتی به طور مجزا در فصل دیگر نمونه‌هایی از ملاقات‌کنندگان با امام را می‌آورد. او همچنین بحث وکلا را هم پیش می‌کشد و بابتی را در این باره می‌آورد. چرا که به نظر می‌رسد وجود وکلا، اثبات ولادت و وجود امام را دربر دارد. به طور کلی شیخ طوسی به مسئله مهدویت نگاه جامع‌تر دارد. باگذشت زمان، تنوع و گستردگی مطالب و شبهات در منابع و آثار بیشتر مشاهده می‌شود و این نشان از ریشه‌دارتر و وسیع‌تر شدن مباحث است.

۴. نشانه‌های ظهور

بخش پایانی کتاب نعمانی مشتمل بر ۱۴ باب در ارتباط با ویژگی‌های حضرت و نشانه‌ها و حوادث پیش و هنگام ظهور است. این بخش دربردارنده ۲۱۸ روایت است. بعد از اختصاص ابوابی به ضروری بودن وجود و شناخت امام و نیز قطعیت وقوع غیبت و درخواست از شیعیان در مراقبت‌شان از انحرافات، حال مقتضی است در راستای این هدف برای امیدوار ساختن و

سردرگم نشدن شان در تشخیص واقعه ظهور، نشانه‌ها و ویژگی‌ها بیان شوند تا نقض غرضی پیش نیاید. از این رو جناب نعمانی حدود نیمی از روایات را در نیمی از ابواب کتاب، به بیان انواع نشانه‌ها و حوادث قطعی آخرالزمان اختصاص داده است.

همچنین پرداختن و عطف توجه نعمانی به نشانه‌های ظهور در راستای همان انگیزه‌اش در زدودن حیرت و ایجاد شور و امید به ظهور حضرت و به اقتضای زمانه حیرت و تردید، قابل توجیه است. چرا که بعد از یک عمر طبیعی ۸۰ ساله، و گسترش نشانه‌های یاس از ظهور و سرگردانی از تاخیر در غیبت، معرفت‌افزایی مستند به کلام معصوم، در شناخت و انس با نشانه‌های ظهور می‌تواند امیدآفرین باشد.

این آموزه در کتاب طوسی بسیار به حداقل می‌رسد. زیرا به نظر می‌رسد فضای حاکم بر زمانه طوسی شک در اصل ولادت و به پیرو آن، فضای حاکم بر کتاب او، اثبات وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. بنابراین او سعی دارد مطلب یا خبری در کتابش بیاورد که این مسئله را تأیید کند. از این رو متمرکز بر مسئله ولادت یا افراد موفق به دیدار امام یا بحث سفیران و اموری از این دست می‌شود.

۵. رد و انکار فرقه‌ها

با توجه به این که نعمانی کتاب خود را در حدود بیش از ۸۰ سالگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌نویسد (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۱۵۷) و امام عصر متولد ۲۵۵ق است، پس به نظر می‌رسد الغیبه او در حدود سال ۳۴۰ق (اوائل قرن چهارم) تالیف شده است. این سال‌ها مصادف با دوره ظهور و حکومت داری اسماعیلیان بوده است. فرقه فاطمیان از اسماعیلیه در اواخر قرن سوم در مناطقی از شام، مصر و شمال آفریقا در سال‌های ۲۸۸-۵۶۷ق موفق به تشکیل حکومت رسمی شدند (ابن خلکان، ۱۹۰۰م: ج ۲، ۱۹۲؛ ابن عنبه، ۱۴۲۷ق: ۲۱۹-۲۲۰) و طبیعتاً در تبلیغ و گسترش افکار خود (ادعای امامت و مهدویت اسماعیل بن جعفر یا تداوم امامت در فرزندان او (شهرستانی، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ۱۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۷، ۱۰) و در نتیجه ازدیاد شک و حیرت در میان شیعیان، نقش مؤثری داشتند. نجاشی کتابی مستقل با عنوان *الرد علی الاسماعیلیه* را به نعمانی نسبت داده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۸۳). هرچند امروزه اثری و توضیحی از این کتاب در دست نیست، ولی می‌توان گفت تألیف این ردیه، حاکی از نفوذ و گسترش این فرقه و به قدرت رسیدن آنها همراه با ادعای مهدویت است. چه بسا دغدغه نعمانی در رفع شک و حیرت از مردم دوران غیبت، انگیزه او در تألیف این کتاب بوده است؛ تا ادعای مهدویت خلفای

فاطمی از فرقه اسماعیلیه را ابطال کند. او این مبارزه فکری با این افکار انحرافی را در کتاب *الغیبه* خود هم ادامه می‌دهد و بابتی مستقل هرچند مختصر (چراکه کتابی مستقل در این باره تألیف کرده است)، در ابطال امامت اسماعیل بن جعفر می‌نگارد. اشاره نکردن او به دیگر فرقه‌ها، حاکی از شدت نفوذ اسماعیلیه و لزوم برخورد فکری جدی با ایشان در زمانه خود است.

اما پرداختن طوسی به فرقه‌های مختلف ریشه در دغدغه کلامی او دارد. گرایش کلامی و سبک استدلال عقلی شیخ طوسی در چینش و پردازش کتاب *الغیبه* اش نمایان است. کتاب او با مبحث امامت عامه و اثبات وجود امام معصوم در هر زمان آغاز می‌شود. و از همین رهگذر، متعرض سایر فرقه‌ها می‌شود و امامت ادعایی ایشان را ابطال و غیبت امام عصر را نتیجه می‌گیرد (طوسی، ۱۴۲۵ق: ۳). از این جهت است که در ادامه به تفصیل، دیدگاه فرقه‌های مختلف را که عصمت و غیبت امامشان را ادعا می‌کنند، طرح و رد می‌کند؛ تا امامت و غیبت حضرت حجت را اثبات کند (ر.ک: طوسی، ۱۴۲۵ق: فصل اول) و البته دلیل شیخ بر آغاز و ابتدا به مبحث امامت، به درستی، این است که غیبت، متفرع بر ثبوت امامت است (همان: ۳).

نتیجه‌گیری

بررسی مهدویت‌نگاری دو کتاب *الغیبه* از دو مؤلف بزرگ جناب نعمانی و شیخ طوسی در بخش ساختار، محتوا و روش، افتراقات و اشتراکاتی را به دست داد. انگیزه، سبک و رویکرد فکری مؤلف، میزان اهمیت مسائل مهدوی با توجه به شرایط زمانی و نوع دغدغه و اندیشه رایج در آن دوران، از عوامل ایجاد تفاوت‌ها و شباهت‌ها در طرح و چینش مطالب در این دو کتاب بوده است. فراوانی روایات در مسئله مهدویت نشانگر عظمت و اهمیت مسئله منجی آخرالزمان نزد ائمه علیهم‌السلام و در منظومه اعتقادی شیعه است. کثرت روایات به حدی است که نعمانی و طوسی هر یک، کتاب قطوری را به نام *الغیبه* به آن اختصاص داده‌اند. این دو کتاب، بسیاری از مسائل مهدوی را پوشش داده‌اند. هرچند عواملی مانند وضعیت و نیاز زمانه و نوع مخاطبین وقت سبب شده است تشخیص مؤلف در ضرورت و گزینش مسائل مهدوی متفاوت باشد. چنان‌که این تأثیر را در بحث ولادت امام، سفر او و ولایت امام، رد فرقه‌های انحرافی، تفصیل نشانه‌های ظهور که از تمایزات میان این دو کتاب است، شاهد هستیم.

روش نعمانی در این کتاب، نقل روایی است. او در هر باب صرفاً روایات مربوط به آن را گرد آورده است و گاه تبیین‌های نادر و مختصر او ذیل برخی روایات مشاهده می‌شود. هرچند

تحلیل‌های عقلی شیخ طوسی ذیل برخی روایات، نسبت به جناب نعمانی بیشتر است، اما غلبه رویکرد او در این کتاب با روش نقل روایی و تاریخی است. مسئله مشترک مطرح در هر دو کتاب، فلسفه (یا حکمت) غیبت، طول عمر حضرت و نشانه‌های ظهور است؛ سه مسئله‌ای که دغدغه ذهن بشر در هر دوره است.

منابع

۱. ابن اثیر (۱۳۹۹ق)، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: بی‌نا.
۲. ابن خلکان، ابوالعباس (۱۹۰۰م)، *وفیات الاعیان*، بیروت: دارصادر، دوم.
۳. ابن شهر آشوب (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: چاپ سید محمدصادق آل بحر العلوم.
۴. ابن عنبه، احمد بن علی (۱۴۲۷ق)، *عمدة الطالب فی انساب آل ابی طالب*، قم: انصاریان، سوم.
۵. ابن کثیر (۱۴۰۸ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: چاپ علی شیری.
۶. اقوام کرباسی، اکبر (۱۳۹۱ش)، «مدرسه کلامی کوفه»، *نقد و نظر*، سال ۱۷، شماره ۱.
۷. امین، محسن (۱۴۰۳ق)، *اعیان الشیعه*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۸. بحر العلوم، سید محمد مهدی (۱۳۶۳ش)، *الفوائد الرجالیة*، تهران: چاپ محمدصادق بحر العلوم و حسین بحر العلوم.
۹. بحرانی، یوسف بن احمد (۱۳۶۳ش)، *الحدائق الناضرة*، قم: بی‌نا.
۱۰. تهرانی (آقابزرگ)، محمد محسن (۱۴۰۳ق)، *الذریعة الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء.
۱۱. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
۱۲. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، *رجال*، نجف: دارالذخائر.
۱۳. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۷ق)، *خلاصة الاقوال فی معرفة الرجال*، قم: نشر الفقاهه.
۱۴. خوانساری، محمد باقر (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنات*، بیروت: بی‌نا.
۱۵. دوانی، علی (۱۳۶۲ش)، *سیری در زندگی شیخ طوسی (یادنامه هزاره شیخ طوسی)*، تهران: امیرکبیر.
۱۶. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۶ش)، *لغت نامه*، تهران: مؤسسه لغت نامه دهخدا.
۱۷. ذهبی، محمد بن احمد (۱۴۲۴ق)، *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*، بیروت: چاپ

- بشار عواد معروف.
۱۸. صدر، حسن (۱۳۷۰ق)، *تأسیس الشیعه*، بغداد: بی نا.
 ۱۹. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۱۵ق)، *الرجال*، قم: چاپ جواد قیومی اصفهانی.
 ۲۰. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۰ق)، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، قم: چاپ سید عبدالعزیز طباطبایی.
 ۲۱. طوسی، محمدبن حسن (۱۴۲۵ق)، *الغیبه*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۲۲. عباس، حسن (۱۴۲۲ق)، *النحو الوافی*، تهران: ناصر خسرو.
 ۲۳. عسقلانی، ابن حجر (۱۹۷۱م)، *لسان المیزان*، بیروت: بی نا.
 ۲۴. عمید، حسن (۱۳۸۲ش)، *فرهنگ فارسی*، تهران: امیرکبیر.
 ۲۵. قزوینی رازی، عبدالجلیل (۱۳۵۸ش)، *النقض*، تهران: بی نا.
 ۲۶. کلبرگ، اتان (۱۳۷۴ش)، «از امامیه تا اثنی عشریه»، *دین و ارتباطات*، شماره ۲.
 ۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، *اصول کافی*، تهران: دارالکتب الاسلامی.
 ۲۸. مامقانی، حسن (۱۳۵۲ق)، *تنقیح المقال*، نجف: بی نا.
 ۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۴۰ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
 ۳۰. مفید، محمدبن محمد نعمان (۱۴۱۴ق)، *الفصول العشره فی الغیبه*، بیروت: دارالمفید.
 ۳۱. نجاشی، احمدبن علی (۱۴۰۷ق)، *فهرست أسماء مصنفی الشیعه (المشتهر برجال النجاشی)*، قم: چاپ سید موسی شبیری زنجانی.
 ۳۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، *الغیبه*، تهران: مکتبه الصدوق.
 ۳۳. نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۸۶ق)، *فرق الشیعه*، ترجمه: محمد جواد مشکور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
 ۳۴. الویری، محسن (۱۳۷۴ش)، «نقد نظریه ای در پیدایش شیعه اثنی عشریه»، *دین و ارتباطات*، شماره ۲.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی